

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میاد بدین بوم ویر زنده یک تن میاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Culturall

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - پنجم اکتوبر ۲۰۱۷

دلم از بی تمیزی وند وند اس!!!

(قسمت دوم)

در قسمت اول بر قباحت استعمال "دانشی مرد" و "سی سپاره قرآن" مکث شد؛ و آن مکثی بود، که وقت را برای لغات دگر تنگتر ساخت. اینک ضمن دنباله موضوع به ترکیبات "تشکری" و "خاطرات گذشته" و اگر وقت ماند، به چند تایی دیگر پرداخته می شود:

– تشکری

چه لفظ و ترکیب زشت و قبیحی!!!

یک زمانی، که از آن پنجاه سال یا زیاده تر می گذرد، از عزیزی کلمه مسخره "تشکری" را شنیدم، ولی آن را نادیده گرفتم، چون "گوینده" سواد بسیار کم دیده و این کلمه را گویا از مردم عامه شنیده و پذیرفته بود. امروز مگر می بینم، که این کلمه در ملک ما آن قدر عام و مود روز گشته است، که حتی از نطقان تلویزیونهای افغانی نیز شنیده می شود.

"تشکری"، در ذات خود "مصدر" را "مصدر ساختن" است و کاریست، که باید در حدّ لهو و لعب حساب کرد. و من می گویم:

«او خانه پُرپلو، "مصدر" خود از پدرپدر "مصدر" است و به "مصدر" ساختن مکرر نیاز ندارد!!!»

همین، که گفته اند "دنب خر یک بلست اس." درینجا کاملاً صادق افتاده است، چون گفتن و تذکر مکرر و مکرر اندر مکرر هم هیچ تأثیری بار نمی آرد.

و «دمب خر یک بلست اس!» یعنی چه؟؟؟

یعنی هر قدر در بیخ گوش "دنب خر" بگوئی و ورد و اوراد و دم و دعاء و یاسین بخوانی، از آن یک "بلست"، به اندازه یک سر موی، نه درازتر می شود و نه کوتاهتر. گوئی "دمب خر"، به مصلحت طبیعت و مطابق قوانین آن فقط "یک بلست" ساخته شده است، و طبیعت هرگز خطاء نمی کند. قوانین طبیعی

تخطی ناپذیر هستند؛ مگر این، که نفسِ قانونِ طبیعت را در اجسام زنده، تغییر بدهی و در لابوراتورها در "ژن" یا "جن" یا "جین" و "ژین" آنها دستی بزنی!!!

در قسمت "تشکر" و هر مصدر دگر، اما هر قدر منتر کنی و طلسم بندی و از راه لابور دستبرد ژنتیک هم بزنی، حالت "مصدری" آنها را تغییر داده نمی‌توانی؛ قطعاً و بالجزم و ...!!!

معمولاً با آوردن یک "ی" در آخر کلمات وصفی، از آنها "اسم مصدر" درست می‌کنند. قاعده در دستور دری اما چنین هم هست، که خود "مصدر" را در جمله جنساً می‌توان به حیث "اسم مصدر" استعمال کرد. بلی؛ از "صرفِ دری" می‌دانیم، که هر "مصدر" را می‌توان به حیث "اسم مصدر" استعمال کرد؛ مثلاً:

- بودن و نبودنِ او اثری بر جریان امور ندارد.

- در شرع اسلام خوردنِ گوشتِ خوک حرام است.

- پیش کله خر یاسین خواندن فائده ای ندارد.

- مگر او به گفتنِ آدم نمی‌شود.

مصادر عربی را نیز در زبان دری معمولاً و کاملاً بحق، به حیث "اسم مصدر" استعمال می‌کنیم و هرگز نیازی نیست، که در عقب آنها "یای مصدری" آورده شده و مثلاً گفته شود: "از تشکری او تشکر می‌کنم". مگر می‌گوئیم:

- از تشکرِ او عالمی سپاس و امتنان.

- بعضاً استعمالِ اسم به حیث صفت نیز ممکن است.

ووو

مگر "تشکر" چیست و معنای لغوی آن از چه قرار است؛ و یک "ی" اضافگی در آخر آن چه بد می‌کند و چه بلا می‌طلبد، که بیاید؟؟؟

"تشکر" کلمه عربی و مصدرِ بابِ "تَفَعَّل" است، که از ریشه سه حرفی یا ثلاثی "شُکِر" برخاسته است. "شکر" در معنای "سپاس" است و "ادای سپاس" و "سپاس گزاردن" و مصدرِ متعدی آن "تشکر" دقیقاً در معنای "شکر کردن" است؛ و "سپاسگزاری کردن" و "اظهار شکران نمودن".

در بالا اشارتی کوتاه شد و اینک آن را تفصیل بیشتر می‌دهم، که اگر "یای مصدری" یا "یای مصدرساز" را بر "اسم" و "صفت" و "قید" بیاریم، از آنها "اسم مصدر" ساخته می‌شود و:

- مرد - مردی

- درویش - درویشی

- خر - خری

- گرم - گرمی

- نرم - نرمی

- بد - بدی

- خوب - خوبی

- پیش - پیشی

- بیش - بیشی

- بالا - بالائی

- پایان - پایانی

مثالهای این عمل و عملیه دستوری زبان دری می‌باشند؛ و جملاتی چون "خوشی و بیشی بسیار کرد." و "گرمی گفتار او را ندارد." مثالهای امتثالی چنین قاعده ای شمرده می‌شوند. و بر سبیل معترضه: شاید کسی از تُرکان شنیده باشد، که هنگام سپاسگزاری گویند:

"تشکری دارم!!!"

(به یای وحدت یا نکره، که هر دو "یای مجهول" اند!!!)

و معنای این جمله این است، که "ممنون هستم" و یا "تشکر می‌کنم". بسیار احتمال دارد، که آن عزیز نامبرده در پنجاه سال پیش، همین جمله را از زبان کدام تُرک شنیده و بعد "یای مجهول" را به "یای معروف" تحریف کرده باشد - پدر آن عزیز به صفت موتروان در سفارت ترکیه کار می‌کرد و من باری مهمان تُرکی ایشان را دیده بودم. وقتی چندی پیش در کابل بودم، کلمه غلط "تشکری" را بسیار از زبان مردم شنیدم. این، که عوام چنین اشتباهی را مرتکب می‌گردند، جای بسیار تعجب ندارد. تعجب مگر وقتی به اوج می‌رسد، که "تشکری" را از زبان نطقان تلویزیون بشنویم، چنان، که از نطقان تلویزیون پربیننده "طلوع" باربار شنیدم. به نظر من، نطقان باید خود نمونه و مثال و به گفته عوام کابلی "نمونه مثال" باشند؛ در دستگویی و تلفظ سالم و درست کلمات!!!

- خاطرات گذشته

بسیار دیده و شنیده ایم، که "خاطره" و جمعش "خاطرات" را با صفت "گذشته" قید ساخته و مقید می‌کنند و مثلاً "خاطرات گذشته" یا "از دفتر خاطرات گذشته" می‌گویند. و من می‌گویم، که چنین کاری خلاف منطق است، چون "خاطره و خاطرات" ذاتاً با "گذشته" خمیر شده اند و به کدام "گذشته اضافی" هرگز ضرورت ندارند. همان قسمی، که ترکیبات "رویداد" و "رُخداد" ذاتاً به چیزی اطلاق می‌شوند، که قبلاً و در گذشته روی و رُخ داده باشند. از همین رو کسی "رویداد گذشته" یا "رُخدادهای گذشته" نمی‌گوید، و اگر هم بگوید، غلط است؛ غلط محض!!! به شرح ذیل توجه گردد:

"خاطره" کلمه ای ست، عربی، که از مصدر "خُطور" برخاسته است و "خطور" عملی را گویند، که در ذهن کسی بگذرد و تجسم یابد. "خاطره" تصویری ست، که از رویدادی در ذهن و خاطر کسی باقی مانده باشد. و به عبارت دیگر "خاطره" به چیزی گفته می‌شود، که از گذشته های نزدیک و دور به یاد کسی مانده باشد. "خاطره و خاطرات" قصه های گذشته هائی ست، که در حافظه کسی ثبت و ذخیره گردیده است. وقتی کلمه وصفی "گذشته" در خود "خاطره" مدغم است، چرا آن را بار دگر و با یک کلمه علاوگی "گذشته" بیامیزند؟؟؟

اگر قرار باشد، که فاصله خاطرہ ای را با قُرب و بُعد زمانی مقید سازند، باید حتماً خود آن گذشته معین و مشخص را تذکر بدهند؛ مثلاً بگویند:

- خاطرات گذشته های دور و یا نچندان دور.

- خاطرات دهه شست قرن بیست.

- خاطره ای از سه هفته پیش.

- خاطرات سال گذشته.

چون "خاطره" تنها و تنها مربوط به "زمان گذشته" است، کسی آن را هرگز برای زمان "حال و آینده" استعمال نمی‌کند و نمی‌گوید، که مثلاً:

"خاطرات آینده"

استعمال "خاطرات گذشته" به همان اندازه قبیح است، که کسی "خاطرات آینده" بگوید!!!

ترکیبات و عبارات موعود

- شب لیلة القدر

- سنگ حجر الاسود

- بیشتر از دهها هزار نفر اشتراک کرده بودند

- بیشتر از حدود صد و سی جلد(مقدمه انتشارات عازم؛ ناشر کتاب "واژه ها و ریشه ها")

- بلافاصله یک هفته بعد از وقوع حادثه چنین و چنان شد...

- سالیاد رحلت ملکوتی سپهسالار جهاد دگر جنرال "سید حسین انوری"

- ۱۸ سنبله شانزدهمین سالروز شهادت "قهرمان ملی"

بمانند برای قسمتهای بعدی!!!

(ختم قسمت دوم)